
روابط جنسی پیش از ازدواج در میان جوانان؛ الگوها، انگیزه‌ها، پاداش‌ها و هزینه‌ها

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۵/۹/۳۰

محمدسعید ذکایی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی - saeed.zokaei@gmail.com

زکيه شرعی نژاد

کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبایی - analusian@gmail.com

چکیده

تحولات سبک زندگی جوانان در سال‌های اخیر در ایران، به تدریج ابعاد گوناگونی به خود گرفته و نه تنها ارزش‌ها، که رفتارهای افراد را دستخوش تغییر کرده است. یکی از این تغییرات، حوزه روابط جنسی پیش از ازدواج و مناسبات با جنس مخالف است. مطالعه حاضر در پی شناسایی فرایندها و برقراری این روابط و فهم منافع و مضاری است که دو جنس برای ارتباطات دوستانه خود و مدیریت آن قایل‌اند. در این پژوهش با ۲۴ تن از پسران و دختران طبقه متوسط ساکن تهران مصاحبه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد - به ترتیب اهمیت - دختران در رابطه به دنبال ازدواج، تأمین نیازهای عاطفی، جنسی، فراغت و مالی هستند و در ازای آن هزینه‌هایی همچون فرصت‌سوزی، تاریخ انقضا و سوء پیشینه را می‌پردازند. پسران نیز به دنبال تأمین نیازهای جنسی و عاطفی و به تأخیر انداختن ازدواج هستند و در ازای آن سرمایه اقتصادی و وقت و انرژی می‌گذارند. ناهمخوانی در منافع و زیان‌های رابطه برای دو جنس، آنها را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد و هر کدام روش متفاوتی را برای مدیریت رابطه در پیش می‌گیرند. از آنجاکه

منافع و زیان‌های رابطه برای دختران، بیشتر و به هم مرتبط هستند، تصمیم به برقراری روابط برای آنها با ملاحظات و حساسیت‌های بیشتر ارزشی، هنجاری و اخلاقی همراه است.

واژگان کلیدی:

رابطه با جنس مخالف، جنسیت، مدیریت رابطه، رابطه جنسی، دوستی، منافع، زیان‌ها.

مقدمه

با توجه به آمار و ارقام رسمی، برقراری روابط دوستانه میان دختران و پسران جوان گسترش چشمگیری یافته است. در این میان می‌توان به گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره کرد که در آن، نتایج تحقیق بر روی ۱۴۱ هزار و ۵۵۵ دانش‌آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ منتشر شده است. در این گزارش اشاره شده که ۱۰۵ هزار و ۴۶ دانش‌آموز، یعنی ۷۴/۳ درصد، رابطه غیرمجاز با جنس مخالف داشته‌اند. این گزارش همچنین به پژوهشی از محمود گلزاری، روان‌شناس و استاد دانشگاه علامه طباطبائی اشاره کرده که تأیید می‌کند ۸۰ درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته‌اند که دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند (<http://www.tabnak.ir>). از سوی دیگر فاصله میان «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است؛ فاصله‌ای که روزه‌روز در حال افزایش است. بلوغ اقتصادی با اشتغال پایدار به دست می‌آید و در این میان، اشتغال جوانان خود به یکی از مسائل مهم در جامعه ایرانی بدل شده است. اشتغال مقدمه ازدواج است و مشکلات اقتصادی بر سن ازدواج در شهرهای بزرگ می‌افزاید. این همه در حالی است که ازدواج، تنها راه مشروع، هنجارین و قانونی ارضای نیاز جنسی در ایران است که با موانع بسیاری در راه خود روبه‌رو شده است. در حال حاضر در ایران بیش از ۱۲ میلیون جوان در سن ازدواج‌اند که هنوز ازدواج نکرده‌اند (ر.ک: آزاد ارمکی و دیگران ۱۳۹۰، ۲) و این در حالی است که آمار ازدواج با رقمی حدود ۷۰۰ هزار در سال نمی‌تواند سرعت مناسبی برای کاهش این تراکم روزافزون باشد.

در پی پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش حوزه‌ها و محیط‌هایی که جوانان دختر و پسر یکدیگر را با منع و نظارت کمتری دیدار می‌کنند، به‌سادگی می‌توان انتظار

داشت که در جامعه ما - همسو با دیگر جوامع - ارزش‌ها و در پی آن، ارزش‌های جنسی دستخوش تغییرات شده باشد. اما آنچه کماکان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده، انگیزه‌ها، رفتارها، آسیب‌ها و چگونگی این نوع روابط از هر حیث است.

در ایران - بنا بر دلایل هنجارین و ارزشی رسمی و عرفی کشور - با فضاهای تفکیک‌شده جنسی در بسیاری از عرصه‌ها به‌ویژه عرصه‌های جوانی روبه‌رو هستیم. با توجه به این بستر فرهنگی و اجتماعی، درک این مسئله که همسانی و تفاوت در جنسیت موجب چه اشتراکات و تمایزاتی در دنیای ذهنی و تفسیری افراد درباره رابطه با جنس مخالف می‌شود و جنسیت تا کجا انگیزه، چگونگی و سرنوشت یک رابطه را حول محور خود تعیین می‌کند، اهمیت بسیار دارد.

در مورد روابط دوستی - به دلیل انکار و فضای پنهانی‌ای که بر آن حاکم است - نوعی گفتمان غالب در معرفت کلی و فراگیر افراد درباره روابط دوستی دو جنس وجود دارد که در این پژوهش از آن به گفتمان بهره‌وری پولی - جنسی یاد می‌کنیم؛ گفتمانی که در یک کلام، دو جنس را در دو سر طیف این گفتمان می‌نشانند و انگیزه‌ها و منافع ایشان را از بودن با یکدیگر در دو سطح بهره‌وری مالی برای زنان و بهره‌مندی جنسی برای مردان نشان می‌دهد؛ البته با جزئیاتی که در معرفت افراد مختلف، متفاوت است؛ اما در کلیت، تلقی محاط بودن این گفتمان بر روابط، در میان بیشتر افراد مشترک است. در اندک پژوهش‌های انجام گرفته نیز به تسلط این گفتمان بر روابط - به عنوان واقعیتی انکارنشدنی - اشاره شده است.

بر همین اساس در این پژوهش، هدف آن است تا دریابیم که از نظر جوانان، درگیر شدن در یک رابطه جنسی چه منافع و هزینه‌هایی را دارد و جنسیت بر تفاوت در این منافع و هزینه‌ها تا چه اندازه و به چه شکلی اثرگذار است.

چارچوب مفهومی

گیدنز «رابطه عاشقانه» را رابطه‌ای «پاک و خالص» معرفی می‌کند. وی معتقد است نزدیکی و همسانی به‌طور معمول برای تحکیم و توسعه رابطه‌های صمیمانه لازم است و رابطه ناب بدون دادوستد متقابل تحقق نخواهد یافت (گیدنز ۱۳۸۷، ۱۲۸-۱۳۶). گیدنز این ارتباط را اتفاق نیک دوران مدرن می‌داند و آن را بسیار بهتر از ارتباط رمانتیک متداول در اعصار گذشته قلمداد می‌کند.

بر خلاف نظر گیدنز، باومن ارتباط عصر مدرن را متناسب با اقتضائات مصرفی عصر مدرن، ولی ناامیدکننده توصیف می‌کند و آن را نه یک «ارتباط»، بلکه «پیوند» می‌نامد. پیوندهایی که به همان اندازه که آسان برقرار می‌شوند، به آسانی نیز با یک گزینه «حذف» تعبیه شده در سیستم‌های نوین ارتباطی، از میان می‌روند. این سرعت و قابلیت در گسستن پیوندها به جای آرامش که هدف اصلی و ذاتی ارتباط به‌ویژه ارتباط عاشقانه است، خود به نگرانی‌ها و مشکلات نوین دیگری می‌انجامد. باومن با اشاره ضمنی به نظر گیدنز می‌گوید این روابط هر چیزی هستند؛ به غیر از «ناب» (باومن ۱۳۸۴، ۶۸).

با توجه به آنچه در پیشینه پژوهش آورده‌ایم و یافته‌های این پژوهش، معتقدیم روابط مورد بررسی را تنها در بخش کوچکی می‌توان با رابطه ناب گیدنز توضیح داد. روابط به شدت ناپایدار و کوتاه پیش رو را حتی با عشق سیال باومن که باز هم گونه‌ای برابری در دو جنس - در امکان گسستن یا ایجاد پیوند - را در نظر گرفته نیز می‌توان توضیح داد؛ چراکه برابری دو جنس در مدیریت و انتظارات از روابط مورد بررسی به واسطه ساختارها و فرهنگ جنسیتی عمیقاً نابرابر، متفی است و دوم، قطع روابط در بررسی حاضر به تعبیر باومن، به دلایل سرمایه‌گذاری‌های سودآورتر نیست. نتایج نشان خواهند داد که اصولاً ناپایداری روابط در دو جنس از ریشه‌ها و علت کاملاً متمایز و متناسب با جنسیت برخوردارند. نابرابری در ساختارهای اقتصادی، اجتماع و سیاسی، همگی موجب شده منافع دو جنس از بودن با یکدیگر، جنسیتی و منحصر به جنسیت باشد. لذت و آرامش که مهم‌ترین سود یک ارتباط‌اند، به شدت در پرتو تأمین منافع و کاستن از هزینه‌ها هستند. آنچه به عنوان پاداش مبادله می‌شود، سرمایه‌های فرد است و هزینه‌ها نیز دسترسی نداشتن به برخی سرمایه‌هاست. بدین ترتیب نظریه تبادل اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیش از نظریه‌های دیگر می‌تواند توضیح‌دهنده چنین روابطی باشد.

تحلیل مبادله‌ای از روابط رمانتیک

انسان همواره می‌کوشد رفتارهایی که به پاداش می‌انجامد را در کنش‌های متقابل جستجو کند. او از یک سو در جستجوی بیشترین سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی کاهش هزینه‌ها به کمترین میزان است. فراگردی را که دربردارنده این شرط‌ها در جهت به دست آوردن حداکثر سود و حداقل پاداش باشد، مبادله می‌گویند. واحد اصلی تحلیل در مبادله، روابط رودرروی افراد است و صورت‌های وسیع‌تر اجتماعی - فرهنگی همچون

نهادها - ارزش‌ها - هنجارها از همین روابط ساده استنتاج می‌شود (هومنز به نقل از توسلی ۱۳۷۳، ۳۸۳).

هومنز نخستین نظریه‌پردازی بود که چنین برداشتی را در روابط انسانی به کار می‌برد. او روابط صمیمی را گونه‌ای مبادله در نظر می‌گیرد که به مبادله تجاری شباهت دارد. طرفین یک رابطه صمیمی، انواع گوناگون پاداش‌ها و تقویت‌ها مانند محبت، رضایت جنسی، عواطف، پرستیژ و پول را مبادله می‌کنند. نظریه‌پردازان تبادل اجتماعی هرگز از مشاهده یک زن زیبا با یک مرد زشت، اما ثروتمند تعجب نمی‌کنند. آنها در این رابطه فقط تبادل می‌بینند. تبدالی که در عین عادی بودن، اساس رابطه عاشقانه است. هر یک از طرفین منابعی در اختیار دارد که با منابع طرف مقابل مبادله می‌کند. در ماه‌های آغازین برقراری روابط عاشقانه، طرفین فقط به مزایای آن می‌اندیشند. به نظر می‌رسد رابطه عاشقانه فقط محبت به همراه دارد و طرفین دوست دارند به همان اندازه که تقدیم می‌کنند، به همان اندازه نیز دریافت کنند؛ اما پس از این دوره، اغلب هزینه‌های رابطه خودنمایی می‌کند. رابطه عاشقانه بسیار قوی و محکم نیز به سازش‌هایی نیاز دارد. طبق نظریه تبادل اجتماعی، تعهد در رابطه عاشقانه به این عوامل وابسته است: ارزیابی سودهایی که به دست می‌آوریم؛ هزینه‌هایی که صرف می‌کنیم؛ سطح مقایسه با انتخاب‌های دیگری که پیش رو داریم؛ سرمایه‌گذاری برای ایجاد رابطه (بدار و دیگران ۱۳۸۷، ۲۰۴).

با این پیش‌درآمد از هومنز به سراغ بلاو می‌رویم؛ چراکه وی نه تنها رفتار و سطح فردی، بلکه اثر واقعیت اجتماعی و ساختارهای پهن‌دامنه را در سطح فردی نیز در نظر دارد و مهم‌تر از آن، وی قدرت، رقابت و تفاوت در منزلت را در تحلیل خود در نظر می‌گیرد (بصیری، در: <http://anthropology.ir>).

بلاو این نظر هومنز که مبادله، راه ارتباط میان افراد است را می‌پذیرد؛ اما تأکید می‌کند این رابطه به معنای این است که برخی در مقام فرودست و برخی دیگر در مقام فرادست قرار می‌گیرند. در گروه، برخی ممکن است پاداش‌های بیشتری را برای جذب در گروه ارائه دهند. در این میان آنهایی که پاداش‌های بیشتری می‌دهند، احتمال اینکه رهبر شوند، زیاد است و آنهایی که پاداش کمتری می‌دهند، زیردست می‌مانند. در این مرحله، تمایز سرمنزلت و قدرت پدید می‌آید (همان)؛ به بیان دیگر، در این فرایند، رهبر همان است که از عاملیت و قدرت بیشتری به منظور اثرگذاری بر رابطه و تنظیم آن به نفع و دلخواه خویش بهره‌مند است.

بلاو معتقد است هنگامی که شخصی قدرتی بر دیگری اعمال می‌کند، هر مقدار که خود او بهره‌مند شود، دیگری باید هزینه آن را بپردازد؛ این امر بدین معناست که افراد ذی-نفع گرچه از تعاون خود سود می‌برند؛ اما نفع برابر به دست نمی‌آورند؛ بلکه در این نوع مبادله، بعضی بیشتر بهره‌مند می‌شوند و در مقابل، برخی هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شوند (توسلی ۱۳۸۰، ۳۸۱).

مبادله و نفع شخصی

واژه مبادله اجتماعی در اندیشه بلاو، به اعمال اراده فرد گفته می‌شود که انگیزه آن دریافت پاداشی است که وی انتظار برآورده شدنش را دارد. بلاو تأکید می‌کند که نفع فردی، شرط ضروری مبادله است؛ نه مسائل هنجاری و اخلاقی. افراد تعهدات خود را در برابر خدمات گذشته بدین سبب انجام می‌دهند که در آینده نیز از آنها بهره‌مند شوند. بنابراین سودی که فرد انتظار دارد از روابط مبادله‌ای به دست آورد، آغازگر مبادله است (بصیری، در: <http://anthropology.ir>).

انواع پاداش‌ها در جریان مبادله: زمانی که پیوندها برقرار شد، طرفین رابطه مبادله را آغاز می‌کنند که این مبادله، سود و پاداش به همراه خود دارد. انواع پاداش‌ها عبارت‌اند از: درون‌ذاتی و غیرمادی (عشق و محبت و احترام در رابطه‌های خانوادگی)، برون‌ذاتی و مادی (پول و کار جسمانی مانند حقوق بیشتر یا رفتن به کوهنوردی با گروه دوستی) (ریترز ۱۳۸۵، ۴۳۵).

دوم، انسان‌ها نمی‌توانند پاداش‌های برابری به یکدیگر بدهند؛ در نتیجه در منزلت و قدرت افراد تمایز ایجاد می‌شود؛ یعنی آن کسی که پاداش بیشتری داده، منزلت بیشتری را نزد اعضای گروه یابد. سوم، هرگاه طرفی به چیزی که از آن دیگری است، نیاز داشته باشد و آن دیگری به او کمک بکند، اما او نتواند چیز قابل مقایسه‌ای برای جبران به طرف مقابل ارائه دهد، چهار حالت پیش می‌آید: ۱. می‌توانند دیگران را به‌زور به کمک وادار کنند. ۲. برای رفع نیازشان می‌توانند به منبع دیگری رجوع کنند. ۳. بدون آنکه چیزی از دیگران به دست بیاورند، گلیمشان را از آب بیرون بکشند. ۴. مهم‌تر از همه آنکه خودشان را تابع دیگران کنند (این صورت چهارم همان ویژگی اساسی قدرت است) (همان، ۴۳۵-۴۳۶).

بلاو تأکید می‌کند نفع فردی، شرط ضروری مبادله است؛ نه مسائل هنجاری و اخلاقی؛ بنابراین سودی که فرد انتظار دارد از روابط مبادله به دست آورد، آغازگر مبادله است. نقش

هنجارها و چارچوب‌های اخلاقی نیز بر مبادله و روابط مبتنی بر آن بسیار اثرگذار است.

نظریه مبادله و موضوع تحقیق مبنی بر ارتباط دو نفر، این موضوع را پیش می‌کشند که دو نفر در یک رابطه عاشقانه با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی خود چه چیزهایی را به عنوان پاداش مبادله می‌کنند و سود و زیان در این مبادله چگونه است. پاداش‌های یک ارتباط مبادله‌ای را شاید بتوان با بحث بوردیو از «سرمایه» بهتر نشان داد.

بوردیو معتقد است افراد که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار گرفته‌اند، دارای منابع (سرمایه) گوناگونی برای کسب پرستیژ و قدرت هستند. این منابع به دلیل نفوذ اجتماعی یا رواج ارزشمندند. نکته کاربردی و مهم بوردیو در استفاده از این منابع، آن است که هر میدانی به نوع خاصی از منابع اهمیت می‌دهد (سیدمن ۱۳۹۲، ۹۸). این مسئله دست تحلیلگر را در تحلیل متناسب با فضای اجتماعی - فرهنگی خاص هر جامعه‌ای باز می‌گذارد.

منابع یا همان سرمایه‌ها به چهار سرمایه اصلی تقسیم می‌شوند: سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت و دانش)، سرمایه اقتصادی (ثروت) و سرمایه نمادین (افتخار و پرستیژ). با توجه به نظر بوردیو در باب سرمایه‌ها، خانم حکیم «سرمایه جنسی» را نوع دیگری از سرمایه‌های شخصی افراد تشخیص می‌دهد و بیان می‌کند اشکال گوناگون سرمایه، همان گونه‌های متفاوت قدرت هستند. به تعریف حکیم «سرمایه جنسی موضوعاتی همچون زیبایی، جذابیت جنسی، سرزندگی، ذکاوت، خوش پوشی، دلربایی و مهارت‌های اجتماعی و جنسی را در بر می‌گیرد». به ظاهر، سرمایه جنسی سرمایه‌ای است در اختیار هر دو جنس؛ اما حکیم استدلال می‌کند که با توجه به درخواست پایان‌ناپذیر آقایان برای سرگرمی‌های جنسی و «سیری‌ناپذیری میل جنسی مردان» یعنی نابرابری آشکار در میزان، شدت و مدت میل جنسی در مردان نسبت به زنان و همین‌طور گسترش و افزایش اهمیت میل جنسی در همه اقشار و افراد جامعه و نه تنها نخبگان و ثروتمندان، ارزش سرمایه جنسی نزد زنان به طور روزافزونی بالا می‌رود (حکیم ۱۳۹۱، ۲۲-۲۳).

سرمایه جنسی نزد زنان در مقایسه با مردان بیشتر است و ناآگاهی زنان از این امر، آن است که مردان آنان را از استفاده از این برتری منحصربه‌فردشان باز داشته و حتی آن را بی‌ارزش قلمداد کرده‌اند. افزون بر سرمایه جنسی، سیری‌ناپذیری علاقه مردان به سکس، منبع قدرتی برای زنان است؛ حتی آنهایی که سرمایه جنسی چشمگیری در اختیار ندارند. زنان می‌توانند چیزی را که به رایگان در اختیار مردان می‌گذارند، به قیمت مناسبی در

اختیار ایشان قرار دهند؛ چیزی که زنان غربی تاکنون انجام داده‌اند. بدین ترتیب تلقی از امر جنسی به عنوان سرمایه‌ای که در مبادله‌های یک رابطه، پاداش هم‌ارزی ندارد، زمانی که عرضه، کمتر از تقاضا باشد؛ مانند جامعه ما بسیار ملموس‌تر است. همان‌گونه که بورديو گفته است، در هر میدانی نوعی از سرمایه، ارزش بیشتری می‌یابد و مطابق نظر حکیم، در روابط جنسی و عاطفی دو جنس با ارائه سرمایه جنسی، پاداش‌های بیشتری می‌توان انتظار داشت. اما این قدرت که در دست زنان است، با قدرت پاداش‌دهی بیشتر مردان تا حد فراوانی تعدیل شده است. ضمن اینکه ارزش‌هایی که خود حکیم نیز به آن اشاره کرده، مانع آن می‌شود تا سرمایه جنسی با چیزی بیش از سرمایه جنسی طرف مقابل مبادله شود.

مروری بر ادبیات پیشین

در مورد موضع پیش رو - با وجود سکوت اجتماعی و سیاسی و حتی علمی - پژوهش‌های چندی به‌ویژه در سال‌های اخیر به موضوع روابط دوستی با جنس مخالف اختصاص یافته که افزایش شمار آنها در این سال‌ها نشان از گستردگی و اهمیت روزافزون این موضوع دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان از پژوهشی با عنوان «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران» نام برد که روی ۵۴ دختر و پسر اهل تهران که تجربه رابطه جنسی داشته‌اند، انجام شده است. روش این پژوهش، کیفی است و با تکنیک مصاحبه انجام گرفته است. در این پژوهش شش الگو از این روابط به دست آمده که شامل روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)، روابط صیغه‌ای، روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر، روابط هم‌خانگی، روابط ضدعاشقانه (الگوهای فریب) و روابط مبتنی بر عشق سیال می‌شود (ر.ک: آزاد ارمکی و دیگران ۱۳۹۰). در تحلیلی محقق معتقد است «تفاوت روابط عاشقانه و روابط ضدعاشقانه فقط در ذهن سوژه است و رفتار بیرونی این دو دسته، شباهت بسیاری به یکدیگر دارند» (ر.ک: همان، ۱۳۹۰). در روابط ضدعاشقانه گفتمان بهره‌وری جنسی - پولی اهمیت محوری دارد.

پژوهش دیگر با عنوان «ناپایداری و سیالیت روابط عاطفی - جنسی و عاشقانه در تجربه زیسته جوانان شهر تهران» که آقای کیانفر در سال ۱۳۹۱ انجام داده است. در این پژوهش که از روش نظریه زمینه‌ای بهره‌گیری شده، با حدود یکصد جوان بیست تا چهل ساله از هر دو جنس مصاحبه شده است. کیانفر به هفت سنخ گوناگون از انواع رابطه در میان جوانان اشاره کرده و

یکی از سنخ‌ها را متداول‌تر از سنخ‌های دیگر بر می‌شمارد. سنخ‌های وی به این شرح‌اند: روابط معطوف به رهایی و گریز، لذت و بدن، مصرف، ازدواج، رابطه، مقاومت و اعتراض، خویشیت - غیریت - قدرت که از این میان رابطه معطوف به مصرف از سنخ‌های دیگر گسترده‌تری بیشتر را در شمار اعضای خود دارد. منظور از مصرف، مصرف فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی و جنسی است؛ اینکه جنس مخالف ابزار دسترسی فرد به موقعیت‌های بالاتر - چه به لحاظ اقتصادی و چه فرهنگی و اجتماعی - می‌شود یا ابزاری برای کسب لذت جنسی است؛ یعنی همان غلبه گفتمان جنسی - پولی بر رابطه‌ها (کیانفر، ۱۳۹۱).

پژوهشی از خانم زهرا ضیغمی با عنوان «تبیین عوامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر رابطه ناب (رابطه‌ای مبتنی بر تعهد، اعتماد، پیوند پایدار و ضابطه اخلاقی)» به روش کیفی و با تکنیک مصاحبه عمیق با ۲۱ دختر بیست تا سی ساله که چندین بار دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند، انجام شده است که پژوهشگر در نهایت چهار دسته: روابط مبتنی بر عشق سیال، روابط خودمانی، روابط همراه با کشمکش و روابط مصلحتی را از یکدیگر تفکیک کرده است. ویژگی روابط نوع اول: تنوع بیشتر، تعهد کمتر و آزادی بیشتر است. در این نوع از رابطه، افراد ابراز رضایت می‌کنند. هسته اصلی روابط نوع دوم، پیوند صمیمیت فرد با شریک خویش است. در این نوع از روابط نیز افراد ابراز رضایتمندی می‌کنند. ناپایداری رابطه، عنصر کلیدی روابط نوع سوم است و وجه مشترک این دسته از سوژه‌ها نارضایتی عاطفی است. وجه مشترک روابط نوع چهارم، نارضایتی عاطفی و ویژگی آشکار بیشتر این سوژه‌ها رابطه‌های اجتماعی بسیار با جنس مخالف است و در نهایت رابطه نوع دوم بیش از رابطه نوع اول، سوم و چهارم به آنچه گیدنز «رابطه ناب» می‌نامد، نزدیک است. در این رابطه، صمیمیت و تعهد عاطفی به عنوان راهبردهای مهم برای تداوم رابطه وجود دارد و همین امر امکان «افشای متقابل» را فراهم می‌کند. بر اساس یافته‌ها، مواردی چون تعهد، صمیمیت، رضایت عاطفی و مدیریت روابط از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری رابطه ناب هستند (ر.ک: ضیغمی ۱۳۹۴). آنچه در دو پژوهش اول مشخص است، وجود روابط مبتنی بر گفتمان پولی - جنسی و نبود درگیری عمیق و صمیمیت در رابطه است. خانم ضیغمی اشاره‌ای به گفتمان پولی - جنسی نکرده؛ اما کاستی در تعهد، صمیمیت و ناپایداری شدید روابط را تحلیل کرده است. هر دو دسته تحلیل به واقعیت‌هایی اشاره دارند که سودمند خواهد بود؛ اگر در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با بسترهای زمینه‌ساز آن سنجیده شوند.

در میان پژوهش‌های خارجی، تحقیق «الگوهای رابطه‌ی رمانتیک در دوران جوانی و پیشینه‌ی رشدی آنها» نزدیکی بیشتری با پرسش‌ها و اهداف این پژوهش دارد. این تحقیق، روابط رمانتیک جوانان از ۱۸ سالگی تا ۲۵ سالگی را در یک نمونه از ۵۱۱ جوان بررسی کرده است. تکنیک این پژوهش، مصاحبه‌ی تلفنی، حضوری یا پرسش‌نامه‌ی اینترنتی بوده است. یافته‌های این پژوهش پنج خوشه‌ی متمایز را که در زمان‌بندی، طول مدت و توالی و شمار شراکت در روابط رمانتیک با هم متفاوت‌اند، نشان می‌دهد. دامنه‌ی روابط شامل کسانی است که از ۱۸ تا ۲۵ سالگی در یک رابطه بوده‌اند یا کسانی که به‌تازگی رابطه‌ی جدیدی را آغاز کرده‌اند. در پایان باید گفت تحقیق بر روی فراگردهای روابط عاطفی به‌طور تاریخی، فرض را بر این می‌گذارد که رابطه از حالتی سطحی و کوتاه‌مدت شروع می‌شود و با طی روندی خطی به رابطه‌ای بلندمدت و منفرد در اوایل بزرگسالی می‌رسد. در این پژوهش پنج خوشه از روابط شناسایی شده است: ۱. درگیری پایدار (۲۱ درصد): این گروه با یک درگیری مهم در روابط رمانتیک با (حداکثر) دو شریک در مدت زمان مورد مطالعه مشخص می‌شود. مبنای آن تلاش برای تشکیل و حفظ روابط بلندمدت است. ۲. درگیری با تأخیر (۲۸ درصد): این گروه یک‌سوم نمونه‌ها و بزرگ‌ترین گروه شناسایی شده است که در آن کمترین شریک و کمترین درگیری عاطفی را تجربه کرده‌اند. ۳. درگیری پراکنده (۱۲ درصد): این گروه حداکثر دو شریک جنسی داشته‌اند و درگیر یک رابطه‌ی رمانتیک بوده‌اند. تفاوت این گروه با گروه اول در طول مدت خود رابطه و فاصله‌ی میان دو رابطه است. ۴. درگیری مداوم (۱۶ درصد): افراد این خوشه بیشترین شریک و بیشترین درگیری عاطفی مداوم و مستمر را در روابط کوتاه‌مدت عاطفی داشته‌اند. ۵. تعهد طولانی‌مدت (۲۱ درصد): این گروه با گروه اول تفاوت چندانی ندارد و تنها تفاوتش در آن است که به یک شریک منحصر شده است (See Rauer & Bates, 2013).

آنچه در این پژوهش می‌بینیم، درصد بالای کسانی است که وارد روابط با درگیری‌های عاطفی جدی می‌شوند. کسانی که حاصل جمع گروه اول، سوم، چهارم و پنجم هستند و هفتاد درصد کل نمونه را در بر می‌گیرند. کسانی که برای ارتباط عاطفی اهمیت قایل‌اند.

روش پژوهش

از آنجاکه که در این تحقیق به دنبال معنای ذهنی، انگیزه‌ها و تفسیر جوانان از رابطه با جنس مخالف، پس از تجربه‌ی آن بوده‌ایم، این پژوهش به روش کیفی انجام شده است.

در این پژوهش، راهبرد تحلیل تماتیک را برای کار خود مناسب‌تر یافته‌ایم؛ چراکه کار پیش رو به دلیل وسعت و کمبود پژوهش‌های مرتبط به روشی نیاز داشت که نخست بتواند توصیفی از وضعیت پیش رو را دریابد و سپس تحلیلی معنایی که دسته‌بندی‌های متمایزی را برای طبقه‌بندی وضعیت پیش رو پیشنهاد می‌دهد، در پیش گیرد؛ هرچند تحلیل تماتیک از استقرار تحلیلی بهره می‌گیرد و این بدان معناست که داده‌های اولیه در تعیین شرایط تحلیل و رسیدن و نرسیدن به الگوها نیز مؤثرند. نوعی جریان رفت و برگشتی که در بهترین حالت به الگوها، سنخ‌ها و مضامین می‌رسد. بنابراین این دسته‌بندی‌ها ابتدا در سطح مضامین اصلی اما گاه تا پای سنخ پیش می‌رود. ارائه مضامین اصلی یک پدیده تقریباً مهجور از پژوهش، سطحی معقول و پذیرفتنی از تحلیل است که در این کار بدان متوسل شده‌ایم.

در این پژوهش، سیر روابط هر فرد از آغاز تا پایان بررسی شده و به نوعی از این طریق به طرح‌واره‌ای از رابطه در سنین مختلف و موقعیت‌های گوناگون (پیش از دانشگاه، دانشجویی، پس از دانشگاه، شاغل بودن یا بیکار و خانه‌دار بودن) رسیده‌ایم.

نمونه‌گیری و توصیف داده‌ها

برای آنکه قدرت اعتمادپذیری بیشتری به یافته ببخشیم، از طریق نمونه‌گیری هدفمند، افراد را از حیث تحصیلات و طبقه اقتصادی به افراد دارای مدرک لیسانس به بالا و طبقه اقتصادی متوسط محدود کرده‌ایم. برای بررسی نقش طبقه اقتصادی - بیش از همه - محل سکونت فرد معیار تشخیص قرار گرفته است.

برای نمونه‌گیری، از دو تکنیک گلوله برفی و هدفمند استفاده شده است. این روش به ویژه بیشتر برای خانم‌ها به کار رفته است؛ چراکه موضوع تحقیق در خانم‌ها حساسیت بیشتری داشته است؛ به همین سبب برای دستیابی به نمونه‌های خانم، به اعتماد بیشتر و شناخت آنان از محقق - به طریق واسطه‌های مطمئن - نیاز بوده است. با این حال ملاحظه این معیار سبب نشد پژوهشگر از لحاظ کردن برخی معیارهای مهم دست بکشد. همچنان همه خانم‌ها از طبقه متوسط، با درجات متفاوتی از زیبایی و تناسب بدن، تحصیل کرده و در انواع رشته‌های تحصیلی قرار دارند.

در روش دیگر که بیشتر برای نمونه‌های آقا استفاده شد، بخشی از نمونه‌ها از میان آقایانی که در فضای مجازی درخواست آشنایی و دوستی کرده بودند، انتخاب شدند. یکی از دلایل انتخاب این شیوه، آن است که با توجه به فضای تفکیک جنسیتی و دسترسی

محدود دو جنس در عرصه‌های عمومی و اجتماعی به یکدیگر، استفاده از فضای مجازی برای ترتیب دادن مناسبات دوستی میان دو جنس، به شیوه‌ای محبوب و فراگیر بدل شده است. هرچند طبق نظر باومن، محبوبیت استفاده از این شیوه، دلیل دیگری تحت عنوان «حذف سریع و راحت پیوندها» نیز دارد (باومن ۱۳۸۴، ۱۷).

دامنه سنی نمونه‌ها از ۲۰ سال تا ۳۹ سال بوده؛ اما میانگین سنی، حدود ۲۸ سال است. دلیل آن هم تراکم جمعیت مجرد در متولدان ۱۳۶۰ است. شمار دختران و پسران، برابر و هر کدام ۱۲ تن است. تعداد نمونه‌ها را نیز کفایت نظری در ارتباط با موضوع مورد بررسی تعیین کرده است.

ویژگی‌های فردی نمونه‌های پژوهش

نام	سن	تحصیلات	نام	سن	تحصیلات
۱. ایمان	۲۳	کارشناسی عمران	۱۳. ندا	۲۷	ارشد علوم سیاسی
۲. محمود	۲۸	ارشد هنر	۱۴. مونس	۲۷	ارشد ارتباطات
۳. سینا	۲۶	ارشد مطالعات فرهنگی	۱۵. میترا	۲۹	ارشد مطالعات جوانان
۴. سامان	۳۹	دکتری مدیریت	۱۶. عاطفه	۲۹	کارشناسی نقاشی و طراحی
۵. بهروز	۳۹	دکتری مدیریت	۱۷. نازنین	۲۹	کارشناسی بازیگری
۶. شهرزاد	۲۵	ارشد مددکاری اجتماعی	۱۸. شیما	۳۰	ارشد تئاتر
۷. کوروش	۲۷	ارشد مهندسی مواد	۱۹. شیدا	۲۶	ارشد روان‌شناسی
۸. سعید	۲۷	ارشد معماری	۲۰. سپیده	۲۶	ارشد مطالعات زنان
۹. محمود	۳۵	کارشناسی صنایع	۲۱. زهرا	۳۰	ارشد روان‌شناسی
۱۰. پیمان	۳۳	پزشک	۲۲. آرزو	۲۹	ارشد روان‌شناسی
۱۱. شروین	۳۰	کارشناسی برق	۲۳. نازنین	۲۸	کارشناسی طراحی لباس
۱۲. مهرداد	۳۲	ارشد مطالعات فرهنگی	۲۴. پیوند	۲۵	کارشناسی هنر

تحلیل یافته‌ها

گذشته از جوانانی که از مسیر آشنایی‌های خانوادگی و روش‌های سنتی وارد رابطه با جنس مخالف شده و در موعد مقرر تحت چارچوبی به نام ازدواج، این رابطه را به حد نهایی خود گسترش می‌دهند، جوانانی هستند که روش دیگری را برای کشف، تجربه و ارتباط با جنس مخالف در پیش می‌گیرند. افرادی که دلایل گوناگونی را برای ورود به این مسیر از ارتباط اعلام کرده‌اند، جامعه آماری این پژوهش به شمار می‌روند.

دوستی‌های رمانتیک یا به تعبیر آزاد ارمکی و شریفی، روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر در

هر فرد، در سیر خود از آغاز تا پایان، انگیزه‌ها و فرم‌های متفاوتی را بر حسب زمان، مکان، جنسیت و شرایط فرد به خود گرفته که در این فرم‌ها و انگیزه‌ها می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را یافت که حاصل ساختار و شرایط اجتماعی است. سپس آنها را به صورت تم دسته‌بندی کرد. در این پژوهش، تحلیل و بررسی حول محور جنسیت صورت خواهد گرفت.

ابتدا باید گفت با توجه به مصاحبه‌های عمیق و بررسی سیر رابطه‌ها از اولین تا آخرین، به یک دسته‌بندی عمده از شکل روابط دو جنس رسیده‌ایم که شامل روابط نابالغ، روابط ناب، روابط اولیه و روابط ثانویه است. یک فرد می‌تواند در طول زندگی، یک یا چند دسته را تجربه کند. هر دسته تجربه مستقلی از دسته دیگر است. تنها توالی در این دسته‌بندی، توالی سنی است که البته رابطه ناب در این توالی قرار نمی‌گیرد.

۱. روابط نابالغ

روابطی که در دوران نوجوانی و پیش از دانشگاه با رسیدن به بلوغ جنسی و از سر غریزه و کنجکاوای شکل می‌گیرد - به دلیل نیرومندی ارزش‌های خانوادگی و البته نظارت آنها - اغلب همراه با کنش جنسی بسیار اندک است و بیشتر جنبه ماجراجویی، سرگرمی و کنجکاوای برای هر دو جنس دارد. به دلیل درگیری سطحی و مبتنی بر هیجان و غریزه در این روابط، دانش آموخته از تجربه آن نیز قابلیت استفاده چندانی در روابط بعدی ندارد.

پیوند ۲۵ ساله: «من دوستی رو از تابستون سوم راهنمایی تجربه کردم. آشنایی ما توی هیئت بود. بعدش یواش یواش بیشتر آشنا شدیم. بیشتر از طریق اسم‌اس‌اس بهم پیام می‌داد. رابطه ما سه سال طول کشید. هیچ تماس جنسی‌ای نبود؛ نهایتش توی تولدها بوسه می‌کرد».

۲. روابط اولیه

این دسته به رابطه‌هایی گفته می‌شود که فرد آن را به عنوان نخستین روابط جدی و جنسی خود تجربه می‌کند. این روابط اغلب با آغاز دوران دانشگاه و عبور از نوجوانی آغاز می‌شوند. درگیری طرفین در رابطه از نظر سطح ارتباط جنسی، عاطفی و انگیزه‌ها با رابطه‌های شکل گرفته در نوجوانی و سنین کمتر متفاوت‌اند. انگیزه‌ها، پاداش‌ها و منافع هر دو جنس در این روابط کمابیش همانند یکدیگر است و هر دو جنس، موضوع ازدواج را نه تنها نادیده می‌گیرند، بلکه احتمال رسیدن یا نرسیدن به آن را با گفتگویی شفاف در مورد آن لحاظ می‌کنند. رکن مهم این روابط، شکل‌گیری صمیمیت و ارتباط عاطفی بسیار پیش‌تر و بیشتر از ارتباط جنسی است.

همسانی، هماهنگی یا توافق در منافع و هزینه‌ها در این نوع ارتباط نمایان است. کیفیت و دوام ارتباط در این سن، بیشتر و بهتر از روابط بعدی است.

محمود ۲۸ ساله: «اولین رابطه‌ام در سن ۲۰ یعنی ترم چهارم دانشگاه بود که حس خوب مورد تأیید و تمجید به دختر قرار گرفتن رو بهم داد و این برام جذاب بود. ما با هم رابطه جنسی هم داشتیم. با وجود دروغ‌های زیادی که می‌گفت و پنهان‌کاری‌هاش، من بهش می‌گفتم که دوستش دارم و هر اتفاقی بیفته، تا آخرش هستم. از همون اول رابطه هم صحبت از ازدواج بود.»

۳. روابط ارزشی یا ناب

این نوع از رابطه در هر مقطعی رخ می‌دهد؛ اما شکل بالغانه و کامل آن در روابط ثانویه اتفاق می‌افتد. تفاوتش با رابطه اولیه، آن است که تجربه علاقه‌مندی و مکمل‌بودگی و تفاهم در ارتباط، با آگاهی و شناخت بسیار بیشتری از نفس ارتباط همراه است و این نوع روابط، کمتر کنجکاوانه، غریزی و هیجان‌مدار است. روابط اولیه، اغلب با نوعی ناآگاهی و انباشت غریزی و عاطفی هدایت می‌شود به همین دلیل اغلب پیشنهاد ازدواج بدون هیچ محاسبه و شناختی از خویشتن، دیگری و شرایط مطرح می‌شود؛ اما در روابط ناب، موضوع ازدواج، یا آگاهانه مطلوب است یا منتفی. در این روابط در پاداش‌ها، هزینه‌ها، انگیزه‌ها، رفتارها و سرمایه‌های مورد تبادل، نوعی هم‌گرایی، توافق و تناسب وجود دارد یا تلاش برای رسیدن به توافق مطلوب به چشم می‌خورد. عامل اساسی این هم‌گرایی، علاقه‌مندی واقعی، ارزش‌ها و هنجارهای مشخص و متفاوت افراد در مورد ارتباط است. بر خلاف نظر بلاو، ارزش‌ها و هنجارهای فرد، عامل مهمی در از خود گذشتگی و رسیدن به هماهنگی و تفاهم با وجود تفاوت در هزینه‌ها و پاداش‌ها شده است. بدین ترتیب در رابطه ناب، دو جنس می‌کوشند مکمل و مناسب یکدیگر در سرمایه‌ها و پاداش‌ها باشند و کشمکش بنیادینی بر سر کاستن از هزینه‌ها و افزودن بر منافع میانشان وجود ندارد؛ هرچند در مجموع شاید یکی بیش از دیگری متضرر یا منتفع شده باشد.

سامان ۳۹ ساله: «بعد از دانشگاه با خانمی دوست شدم که قصد ازدواج نداشت. دنبال یه دوست خوب بود. از تعهدات مقرر ابتدای دوستی خارج نمی‌شدم و قصد سوءاستفاده نداشتم. بهش احترام می‌ذاشتم؛ یعنی هیچ‌وقت نخواستم از موضع بالا صحبت کنم. نه غالب بودم، نه مغلوب؛ چون وضع مالی ایشون خوب بود و هیچ کمکی از من نمی‌گرفتن. از من ۴ سال کوچک‌تر بودند و هر وقت خواست جایی بره

و دوست داشت کسی همراهش باشه، من همراهش بودم؛ مثلاً برای خرید و ... و نه پارتی‌ها. ما هر شب با هم صحبت می‌کردیم و روزها هم اس‌ام‌اس می‌زدیم. ارتباط ما زیر یک سقف هم بود. رابطه به دلیل مهاجرت ایشون تموم شد».

۴. روابط ثانویه

جوانان پس از تجربه چند رابطه اولیه، ممکن است این شکل از روابط را تجربه کنند. به دلیل تجربه‌های افراد از روابط قبلی و همچنین موقعیت سنی و جنسی متفاوت وی نسبت به روابط اولیه، مهار غریزه و عاطفه بسیار بهتر و کامل‌تر اتفاق می‌افتد و عقلانیت و محاسبات عقلانی برای ورود به روابط با هدف سود بیشتر و زیان کمتر، روابط ثانویه را شکل می‌دهد. در این دسته از روابط از واژه «مبادله» راحت‌تر می‌توان استفاده کرد. به جای مفهوم «پاداش» که معنای بخشیدن را در ذهن تداعی می‌کند، استفاده از واژه «منافع» که معنای کسب کردن و گرفتن را می‌رساند، گویاتر خواهد بود. خواهیم دید دو جنس در روابط ثانویه بیش از آنکه در پی پاداش دادن به یکدیگر باشند، به دنبال کسب و گرفتن امتیاز و منفعت از یکدیگرند.

روابط ثانویه، ناب نیستند؛ زیرا تأثیر واقعیت‌های اجتماعی بر آنها را بیش از ملاحظات هنجاری و ارزشی می‌بینم. در روابط ثانویه به سادگی می‌توان رد پای جنسیت و محوریت آن را از لحاظ منافع و هزینه‌ها مشاهده کرد. روابطی که در آن مسئله ازدواج، یا نادیده گرفته می‌شود یا بی‌میلی به آن، روشن و غالباً یک‌سویه از سوی آقایان ابراز می‌شود و یا ادعای آن فریبکارانه و دروغین است. رکن مهم در این روابط، اغلب برقراری ارتباط جنسی، حتی پیش از شکل‌گیری صمیمیت، اعتماد و ارتباط عاطفی مبتنی بر شناخت و زمان است. جنسیت در کم‌و-کیف برنامه‌ریزی و مدیریت رابطه نقش بسزایی دارد و نوعی کشمکش بر سر منافع و تأمین خواسته‌ها به چشم می‌خورد. توافق در این روابط، کمتر توافق مطلوب و زیربنایی است و صمیمیت، سطحی و شکننده و عمر رابطه معمولاً کوتاه است.

شیرما ۳۰ساله «روابط دوستیم بعد از این سیرشون دیگه کوتاه‌تر می‌شد؛ البته رابطه آخرم خیلی طولانی بود. اما هر وقت که با یه کیس جدی قهر کردم، با یه سری آدم‌ها وارد رابطه غیرجدی شدم. تا الان چند تا دوست پسر جدی داشتم که تکلیف رابطه‌ام باهاشون مشخص بوده؛ اما این بین، روابط غیرجدی خیلی زیاد بوده متأسفانه!».

روابط ثانویه از اهمیت متفاوتی نسبت به روابط دیگر برخوردار است؛ به دلیل بلوغ سنی

و اجتماعی جوانان و افزایش آزادی‌ها و استقلال ایشان در رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها، شیوع روابط ثانویه در میان جوانان بسیار بیشتر از روابط دیگر است. سطح درگیری طرفین در این نوع رابطه نیز بیش از روابط نابالغ و اولیه است و همین موضوع، دامنه آسیب‌ها و منافع را گسترده‌تر می‌کند. فردگرایی و منفعت‌طلبی در این دسته از روابط بیش از روابط دیگر به چشم می‌خورد؛ از این رو وجه مبادله‌ای رابطه بسیار ملموس‌تر خواهد بود و کشمکش طرفین برای افزایش منافع فردی و کاهش زیان‌های آن بیش از سایر دسته‌ها به چشم می‌خورد. به همین دلیل در این پژوهش به منافع و زیان‌های افراد بر مبنای جنسیت در دسته روابط ثانویه می‌پردازیم.

فهم منافع و هزینه‌های تجربه‌شده هر جنس در این نوع روابط، امکان شناخت بهتری از راهبردهای آنان در مدیریت این روابط فراهم می‌کند. در ادامه - به تفکیک جنسیت - هزینه‌ها و منافع (پاداش‌های) برقراری رابطه را به تفصیل بحث و بررسی می‌کنیم.

۱. منافع رابطه برای دختران

۱-۱. ازدواج

روش سنتی ازدواج نشان داده گزینه انتخاب برای زنان، محدود و برای مردان، نسبتاً نامحدود است. در روش سنتی، محدودیتی برای مراجعه به شکل خواستگاری برای پسران وجود ندارد. شمار فراوان گزینه‌ها امکان رویارویی با فرد مطلوب را نیز بیشتر می‌کند و این در حالی است که برای دختران، این روش بسیار محدودکننده است. بدین ترتیب مهم‌ترین انگیزه از ورود به روابط، افزایش بردن امکان تعداد گزینه‌ها به منظور آشنایی و انتخاب برای دختران است. دومین دلیل آن است که بسیاری دختران - به هر دلیلی - به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راهشان برای یافتن گزینه مطلوب، از مسیر آشنایی می‌گذرد. از طریق شناختن دیگری و شناساندن خویش به جنس مخالف. افرادی که رسیدن به مطلوب را به روش سنتی امکان‌پذیر ندیده‌اند، به همین دلیل ارتباط با جنس مخالف را با هدف زمینه‌سازی و رسیدن به ازدواج بر می‌گزینند.

میترا ۲۹ساله: «مادرم می‌دونه من از طریق خواستگاری نمی‌خوام ازدواج کنم.

این جوری نمی‌تونم کسی رو که شبیه من فکر می‌کنه، پیدا کنم. من می‌خوام طرفم یا

آرتیست باشه یا تو حوزه رشته‌ام باشه».

زهرا ۳۰ساله: «خونواده من یه خونواده مذهبی‌اند؛ ولی من کلاً باهاشون فرق دارم.

برای همین خواستگارهام معمولاً به خونواده‌ام می‌خوردند تا من. ضمن اینکه بعد از یه مدت، دیگه خواستگاری هم نداشتم. تا ۲۸ سالگی صبر کردم. بالاخره مجبور شدم وارد روابط دوستی در فضای مجازی بشم که واقعاً دوست نداشتم».

ابزار دختران برای رسیدن به هدف ازدواج، از طریق برقراری روابط پرشمار و نشان دادن ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های خود در ارتباط، همراه با ایجاد دل‌بستگی و علاقه در طرف مقابل و هدایت خود به خودی رابطه به سوی ازدواج است. اغلب نشان دادن درک متقابل بالا، مهربانی و سازگاری یکی از راهبردها برای رسیدن به مقصود است. چنین راهبردهایی لزوماً مصنوعی و متناقض با ارزش‌ها و نیت‌های درونی فرد نیست؛ اما شاید تا حدی اغراق‌شده و فراتر از مرزهای واقعی آن باشد.

نازنین ۲۹ ساله، لیسانس و شاغل: «دو سال از ارتباطم با احسان می‌گذشت، تصمیم داشتیم با هم خونه بگیریم و با هم هم‌خونه بشیم. وقتی طعم هر شب کنار زنی خوابیدن بره زیر دندونش، دیگه براش سخت میشه برگرده به دوران مجردش و تنها خوابیدن توی اتاقش».

در صورتی که پس از گذشت مدتی دختر مطمئن شود که طرف مقابل وی را برای ازدواج انتخاب نخواهد کرد - بسته به وضعیت پیش رو - اگر رابطه به رابطه ناب تبدیل نشود، تا سنگین شدن کفه هزینه‌ها نسبت به منافع رابطه ادامه می‌یابد. تأمین نشدن نفع ازدواج از طریق رابطه در دختران، به دو هزینه مهم به نام «سوء پیشینه» و «فرصت‌سوزی» می‌انجامد؛ بدین معنا که ازدواج نکردن با شریک رابطه، نه تنها سودآور نیست، بلکه به هزینه‌ای سنگین و جبران‌ناپذیر تبدیل می‌شود.

۲-۱. تأمین نیازهای عاطفی و جنسی

بیشتر نظریه پردازان حوزه جنسی معتقدند دختران بیش از پسران از نظر عاطفی درگیر روابط می‌شوند و پسران بیشتر به دنبال سکس هستند (Giordano & et al., ۲۰۰۶). تفاوت در میزان عاطفه، امری جهانی است اما با توجه به نتایج پژوهش‌های یادشده و مقایسه با یافته‌های این پژوهش، تفاوت سطح درگیری دختران و پسران مورد بررسی، بسیار بیشتر از آن چیزی است که انتظار می‌رود. در روابطی که پسران در زمینه بذل محبت و توجه دچار نقصان جدی هستند، احتمال کشمکش و قطع رابطه بسیار بالاست و به دلیل شیوع این امر در پسران، روابط بیش از همه از این حیث بسیار آسیب‌پذیر شده است. در زنان، امر جنسی، امر عاطفی و عرف و هنجارها به قدری در هم تنیده‌اند که تأمین آن بسیار

آرامش بخش و لذت بخش است و تأمین نشدن آن به همان اندازه آسیب‌زا و زیان‌بار است. لذت بردن از طریق وجه عاطفی و جنسی رابطه، نیازمند شکستن تابوها و ارزش‌های مسلط جامعه است که بیشتر به زیان دختران وضع شده و به همین دلیل این تابوشکنی، خود موجب هزینه سنگینی به نام سوء پیشینه می‌شود. بدین ترتیب ارتباط جنسی شاید به دلایل بیولوژیکی، منفعت محسوب شود؛ اما به دلایل هنجاری، بی‌گمان نوعی هزینه به شمار می‌رود. به همین خاطر بخشی از انگیزه دختران برای تن دادن به رابطه جنسی، تأمین نفع عاطفی است.

شیرینا ۳۰ ساله، بیکار: «تصمیم گرفتم از طریق فضای مجازی دوست پیدا کنم. بیشترشون می‌گفتند قصدمون ازدواج نیست. از طرف دیگه می‌لشون به سکس رو هم خیلی سریع و واضح مطرح می‌کردند. سعی کردم با وضعیتی که بارها تکرار شده بود، کنار بیام. از اون به بعد توی ملاقات‌ها من هم می‌گفتم خب من هم با سکس مشکلی ندارم و قصد من هم ازدواج نیست؛ اما به دنبال یک رابطه عاطفی خوب هستم».

ندا ۲۷ ساله، شاغل: «بعضی‌هاشون حاضرند به آدم محبت کنند؛ ولی دقیقاً همون‌هایی هستند که آدم ازشون خوشش نمی‌آد؛ کسانی که از تو پایین‌ترند؛ از نظر قیافه و حتی ثروت. البته همون‌ها هم شاید یه کمی دیرتر، ولی بالاخره ازت می‌خواند باهات معاشقه داشته باشند؛ بدون اینکه چیز بهتری در انتظارت باشه».

۳-۱. فراغت

پژوهش‌های بسیاری در زمینه فراغت و جنسیت انجام شده که در مقاله‌ای فراتحلیل از این وضعیت، بر تفاوتی اساسی میان فراغت در دختران و پسران و رضایت پایین‌تر دختران از گذران فراغتشان و محدود شدنشان به فضای خانه و خانواده تأکید شده است. (ر.ک: سفیری و مدیری، ۱۳۸۹). طبق آخرین بررسی‌ها، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. ذاکری پور بر اساس تحقیقات و آمار می‌گوید: «نسبت افسردگی زنان، دوبرابر بیشتر از مردان است». یکی از دلایل مهم آن، کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران جوان به علت شرایط خاص جامعه است (رفعت‌جاء، در: <http://anthropology.ir>).

بر این اساس حضور مداوم و بدون محدودیت مردان در شبکه‌های اجتماعی و دوستی، نه تنها آنان را از محیط خانه و محدودیت‌های ارتباطی جدا کرده است، بلکه به آنان امکان برنامه‌ریزی و گذران اوقات فراغت فردی خویش را با این شبکه‌ها داده است. از سوی

دیگر سرمایه اقتصادی انباشت شده در نیمه مردانه جامعه نیز گذران اوقات فراغت را برای مردان آسان‌تر و امکان‌پذیرتر کرده است.

بدین ترتیب در فضای تفکیک جنسیتی عرصه‌های گذران اوقات فراغت جوانان به نفع پسران در جامعه، یکی از جنبه‌های ارتباط دوستانه با پسران برای دختران، پر کردن کمبود فراغتی موجود با مشارکت در اندک فضاهای موجود دونفره و زیرزمینی است. بدین طریق که پیوستن به یک مرد، هم می‌تواند امنیت فراغت را فراهم کند، هم هزینه‌های لازم برای فراغت و هم کیفیت گذران فراغت را. برای دختران، دوستی با یک پسر، چشم‌انداز جدیدی به تجربه‌های فراغتی نوتر، هیجان‌انگیزتر و خوشایندتر است. در پسران گاهی ارتباط دوستی حتی به جدایی نسبی از شبکه‌های دوستی و فراغتی متداول با هم‌جنس انجامیده که در نتیجه ارتباط را به جای محلی برای فراغت، به عاملی برای دوری از امر فراغتی تبدیل می‌کند؛ یعنی وضعیتی در رابطه که برای یک دختر، منفعت محسوب می‌شود، هم‌زمان می‌تواند برای پسر هزینه به شمار آید.

سامان ۳۵ ساله، دکتر و شاغل: «با دوستان هم‌جنس خودم به من خیلی بیشتر خوش می‌گذرد. نمی‌خوام فعلاً زمان زیادی را برای گذران وقت با جنس مخالف بگذارم؛ چون همیشه باید کارهام را به موقع تحویل بدم و وقت چندانی هم ندارم». سپیده ۲۶ ساله، فوق‌لیسانس و بیکار: «با یه پسر ۳۶ ساله دوست شدم که براش فقط و فقط ارتباط جنسی مطرح بود... با هم بیرون می‌رفتیم. می‌رفتیم آفرود.^۱ تفریح خوبی بود... کات کردم؛ چون دیگه حس کردم مثل قبل بهم توجه نمی‌کنه، بیرونم نمی‌بره، با من مسافرت نمی‌ره...».

۴-۱. نیازهای مالی

بر اساس آخرین گزارش‌ها، میزان مشارکت مردان در بازار کار ایران، ۶۳ درصد اعلام شده؛ در حالی که این مقدار برای زنان تنها ۱۲ درصد بوده است؛ به بیان دیگر، تنها ۱۲ درصد از زنان ایرانی قادر و مایل به این بوده‌اند که در زمره جمعیت شاغلان رسمی کشور قرار بگیرند. این آمار بیانگر «شکاف جنسیتی» چشمگیری است که در «بازار کار» کشور وجود دارد (ر.ک: محمدی ۱۳۹۳).

۱. گونه‌ای از مسابقات اتومبیل‌رانی که در پیست‌های دارای عوارض دشوار طبیعی - و نه در میان مناطق بکر طبیعی - برگزار می‌شود.

افزون بر آمار گفته شده باید اشاره کرد که در کنار میزان پایین مشارکت زنان، آمارها از اشتغال بسیار پایین زنان متأهل نسبت به زنان مجرد خبر می دهند. بر اساس این دو آمار و نتایج به دست آمده در پژوهش های دیگر، موانع فرهنگی و اجتماعی از مهم ترین عوامل مؤثر در کاهش آمار اشتغال زنان ایرانی به شمار می آیند؛ به طوری که زنان را حتی از داوطلب شدن برای اشتغال و در نتیجه استقلال مالی باز می دارد (ملک زاده ۱۳۸۷، ۱۷). موانعی که نه تنها زنان را به مردان برای تأمین معاش وابسته می کند، بلکه این ذهنیت را در آنان قوت می بخشد که درآمد مردان یکی از منابع مهم تأمین معاش زنان و خانواده است. از آنجا که ارتباط، هزینه های مالی خودش را در پی دارد، بسیار مهم خواهد بود که بینیم آیا نابرابری جنسیتی در قدرت اقتصادی و اشتغال، ارزش های برابری را تحت تأثیر قرار می دهد؟ و در این خصوص، تبادل در رابطه به چه شکلی خواهد بود؟ در رابطه ای که ازدواجی نیست؛ اما بدلی از ازدواج است، انتظار می رود نقش تأمین کنندگی مخارج را بر طرف مرد رابطه منطبق بینیم.

در مصاحبه های این پژوهش این انتظار بر آورده شد و نوعی توافق دوجانبه و ناگفته برای صرف مخارج متعارف رابطه از سوی مرد وجود دارد. مخارجی که به هزینه های فراغتی کوچکی همچون رفتن به رستوران و کافی شاپ، سینما یا تفریحات کوچک خلاصه می شود. سرمایه گذاری اقتصادی ای که عموماً حتی برای رسیدن به توافق به گفتگو نیاز ندارد؛ به ویژه زمانی که در رابطه، مرد شاغل است و زن نیست. البته باید اشاره کرد که نه تنها پرداخت هزینه های رابطه، همیشه یک طرفه نیست؛ بلکه روابطی وجود دارند که در آنها مخارج حتی متعارف رابطه، کاملاً مساوی و به اصطلاح، دنگی پرداخت می شود. ارزش ها و هنجارهایی که بر برابری تأکید کنند، در اینجا جای خود را به ارزش هایی می دهند که مرد را در جایگاه سنتی خود می نشانند و وی را مسئول اصلی مخارج رابطه قلمداد می کنند.

داستان رابطه با هدف منافع مالی فراتر از مخارج متعارف در روابط، میان دو نفر از یک طبقه، بسیار اندک و تقریباً منتفی است و انگیزه اصلی را تأمین عاطفی و سپس ازدواج شکل می دهد. اما همان طور که خانم حکیم بر زبانه بودن سرمایه جنسی - حتی در جوامع آزاد غربی - تأکید می کند، با این مضمون که تقاضای جنسی همواره بیش از عرضه آن است؛ پس هر زنی در برابر مردان، بالقوه صاحب سرمایه ای به نام سرمایه جنسی است. با

توجه به شرایط فرهنگی و عرفی که از میزان عرضه در برابر تقاضا می‌کاهد، این سرمایه نزد زنان ایرانی اهمیت دوچندانی می‌یابد. بدین ترتیب انتظار ارتباط با مردان مرفه نزد زنان به ویژه آنان که صاحب سرمایه‌های خاص جنسی هستند، با چشمداشت هزینه‌های آن‌چنانی در کنار منافع دیگر رابطه، امید بیجا و بیهوده‌ای نیست.

در روابط هم‌طبقه با مخارج متعارف، از یک سو سنگینی هزینه‌های ارتباط برای دختران و از سوی دیگر ناکامی و سرخوردگی از رسیدن به منافع همچون ازدواج، مهرورزی، وفاداری، صرف وقت و انرژی و مانند اینها بخشی از دختران را به سوی روابط با مردان طبقه بالاتر سوق می‌دهد. داشتن ارتباط با هدف گرفتن هدایای گران‌قیمت و داشتن اوقات فراغت پرهزینه‌تر، یکی از راه‌های جبران این کاستی‌هاست.

بر خلاف تصور، این صرف منابع مالی برای دختران، بیشتر داوطلبانه از سوی خود پسرها و در فرایندی بدون کشمکش انجام می‌شود. با نفی ازدواج در رابطه، به احتمال فراوان دختر، طرف زیان‌دیده رابطه خواهد بود که این زیان باید به طریقی جبران شود و آن طریقی می‌تواند پول باشد.

بنابراین نگاه موقتی و غیردائمی مردان به رابطه و محدودیت‌های اجتماعی بسیار برای ارتباط عمیق و همه‌جانبه، رابطه را خودبه‌خود سطحی، فراغتی و مبتنی بر مبادله می‌کند. وجود این مسئله از یک سو و نبود بسترهای لازم برای شناخت و سنجش سرمایه‌های دیگر فرهنگی و اجتماعی طرف مقابل از سوی دیگر، از اهمیت سایر سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نسبت به سرمایه جنسی، پولی و عاطفی به‌منظور انتخاب شریک رابطه، بسیار می‌کاهد.

بدین ترتیب در سایه نبود بستر لازم برای تشکیل روابطی که طرفین در همه سرمایه‌ها متناظر باشند، رابطه‌ها بسیار کوتاه و پرشمار می‌شوند. نرسیدن به رابطه مطلوب و موفق، برخی از دختران را به سوی مبادله سرمایه جنسی در برابر پول و امکانات می‌کشاند، برخی دیگر را از ارتباط ناامید می‌کند و دسته‌ای دیگر را به برقراری رابطه‌های پی‌درپی به امید یافتن گزینه مطلوب وادار می‌کند. دسته سوم نسبت به دسته اول شمار بیشتری دارند؛ ولی از آنجا که بیشتر سبک زندگی طبقه مرفه ترویج و تبلیغ می‌شود، در اذهان به عنوان گفتمانی فراگیر و غالب در می‌آید.

عاطفه ۲۹ساله، لیسانس و بیکار: «همه علاقه داشتند با من باشند و این ناراحت‌کننده می‌کند».

بعضی‌ها صریح می‌گند ساپورت مالیت می‌کنم. آگه می‌خوای پول داشته باشی، باید با من باشی و اینکه توی رابطه همه چی هست؛ می‌فهمی که! ... از همون روز اول برام یه ساعت مچی آورد؛ وضعش خیلی خوب بود و من به خاطر شرایط مالیش نزدیکش شدم. اصلاً دوستش ندارم. حتی مایل به بوسیدنش نیستم. یه ماشین پورشه داره و تنها زندگی می‌کنه ...».

سپیده ۲۶ ساله، فوق‌لیسانس و بیکار: «بعد از اینکه دیدم هیچ کس رابطه رو برای همدمی و هم‌صحبتی نمی‌خواد، شروع کردم به فکر کردن به خودم. از اونجایی که همشون من رو به خاطر بدنم و ظاهرهم می‌خواستند، از این احساس استفاده کردم. برای نگه داشتن من حاضر بودند هر جور خرجی بکنند. هیچ دلیلی وجود نداره پسری که مجرد، پول‌هاش براش ذخیره بشه و به اون کسی که دوست داره، هیچی نده. بالاخره بیشتر شغل‌ها دست آقایونه و در جای دیگه‌ای اضافه می‌کنند. همهٔ پسرها این رو می‌دونند که یه دختر آگه بخواد بمونه، باید حمایت مالی بشه؛ این یک قاعده است. فکر می‌کنم دخترها هم این جور عمل می‌کنند. به نظرم باید پسرها پولشون رو با دخترهایی که باهاشون هستند - حداقل یه بخشیش رو - تقسیم کنند.».

شیدا ۲۶ ساله، لیسانس و بیکار: «اولین بار که می‌خواستیم با دوست‌پسرم برم بیرون خواستم باهاش دنگی حساب کنم؛ ولی دوستم گفت هر وقت برای تو هم مثل پسرها کار پردرآمد زیاد بود، اون وقت برابر حساب کن. اما چون دوست‌پسرم خودش دانشجو بود مثل من، خیلی مراعاتش رو می‌کردم. خیلی وقت‌ها دنگم رو می‌دادم؛ مثلاً سینما و ...».

۲. هزینه‌های رابطه برای دختران

از آنجایی که در هزینه‌های ارتباط دختران، سه مضمون تاریخ انقضا، فرصت سوزی و سوءپیشینه به یکدیگر مرتبط و در هم تنیده‌اند، به همین دلیل هر سه مضمون را یکجا و در ارتباط با هم توضیح می‌دهیم.

۲-۱. تاریخ انقضا

منظور از «تاریخ انقضا» زمانی است که دختر یا پسر از آن تاریخ به بعد دیگر برای جنس مخالف مطلوب نیست و - برای ازدواج یا ارتباط - کمتر مورد انتخاب جنس مقابل قرار می‌گیرد. اهمیت این موضوع، آن است که بتوانیم برخی رفتارها و انگیزه‌ها را در دو جنس، ارزیابی و تحلیل منصفانه‌تر و دقیق‌تر کنیم. به نظر می‌رسد استرس‌ها، رفتارهای دمدمی و

قطع داوطلبانه رابطه بیشتر از سوی زنان از نتیجه‌های مستقیم و غیرمستقیم نزدیک بودن تاریخ انقضاست. برای مردان، بی تفاوتی و کند بودن در برقراری صمیمیت، درگیری سطحی در رابطه و آشکارتر از هر چیز، بی میلی به ازدواج، از نتایج اولیه و ناگزیر دوری تاریخ انقضاست.

تاریخ انقضایی که زنان در مصاحبه‌های خود برای پایان مطلوبیت خود برای جنس مخالف و گزینه انتخاب بودن برای ازدواج بیان کرده‌اند، چیزی حدود ۳۰ و در نهایت ۳۵ سال است که چنین تاریخ دقیق و مبتنی بر عددی در نظر ایشان بیانگر اهمیت و اجتناب‌ناپذیری آن است. نامطلوبی و خواستنی نبودن دختران با کاهش زیبایی (طراوت جوانی)، ریسکی شدن بارداری، نزدیکی یائسگی که با پیش فرض افت میل جنسی مرتبط است، پیوند مستقیم دارد. اینها همگی از دلایل مهم و مؤثر قایل شدن سن برای پایان مطلوبیت در نگاه زنان است. این در حالی است که دیدن و شنیدن پیاپی تجربه‌هایی همچون ازدواج دختران جوان با مردانی بسیار مسن‌تر از خود و تقریباً نبود عکس این موارد در زندگی واقعی نیز به این باور دامن می‌زند که مردان در هر سنی می‌توانند برای ازدواج اقدام کنند و انتخاب آنها ترجیحاً و غالباً زنان بسیار جوان‌تر خواهد بود.

برعکس حالت بالا، در مصاحبه با پسران، تاریخ انقضا مفهومی گنگ و کمتر مورد توجه آنان بوده است. گویی نخستین بار با پرسش پژوهشگر، به این موضوع می‌اندیشد. این موضوع تا حدی دغدغه طبیعی و جدی دختران است که هنگام پرسیدن در مورد آن، صریح، شفاف و سریع پاسخگو بوده‌اند؛ درحالی که آقایان پس از فکر کردن‌ها و گاه پاسخ‌های نمی‌دانم، برخی سرانجام به سن ۵۰ تا ۷۰ برای این انقضا رضایت داده‌اند. تفاوت بیست - سی ساله و حتی بیشتر این تاریخ انقضا و دلایل سرآمدن آن از سوی هر دو طرف، آن قدر مهم و قابل توجه است که درک جدید و متفاوتی از انگیزه‌ها و رفتارهای این دو جنس را در روابطشان پیش روی پژوهشگران می‌نهد.

مردان با توجه به دورتر بودن تاریخ انقضای مطلوبیتشان، اغلب رسیدگی به مشغله‌های مهم مانند تحصیل و درآمدزایی را در اولویت برنامه‌ریزی زندگی و در اولویت گزینه‌های مورد سرمایه‌گذاری قرار می‌دهند؛ زیرا در نهایت سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی عوامل مهمی در جذب جنس مخالف به‌ویژه انتخاب همسر آینده، قلمداد می‌شوند. آقایان تقریباً به این امر آگاه‌اند که اگر روزی ظاهر آنان نیز جوان و جذاب نباشد، درجه تحصیلی و

میزان در آمدشان جبران کاستی در ظاهرشان را خواهد کرد. با توجه به محدود بودن تحرک طبقاتی در جامعه به ویژه برای زنان مردان مرفه و مسن، دست کم برای زنان جوان از طبقه پایین تر فرصت مناسبی برای تحرک طبقاتی هستند. گیدنز بدون اشاره به مفهوم «تاریخ انقضا» می گوید: «برای مردان، استعمار آینده به معنای حرفه و شغلی مطلوب است که آنها را از این فکر که عشق رمانتیک، وسیله‌ای برای استعمار آینده است، بیرون می آورد. برای آنها (مردان) ظاهراً و دست کم عشق به عشق شهوانی نزدیک تر می ماند (Giddens 1995, 57).

سعید ۲۷ ساله: «برای یک مرد در سنین بالا سرمایه های دیگری نسبت به زیبایی و جوانی می تواند عامل جذب جنس مخالف شود. سرمایه های اقتصادی و حتی اندوخته تجربه زندگی یک مرد می تواند عامل جذب کننده مهمی برای جنس مخالف باشد.» به همین خاطر استعمار زمان و آینده برای مردان از خلال عشق رمانتیک نمی گذرد؛ بلکه اندوخته های جوانی یک مرد نیز می تواند عاملی برای جذب جنس مخالف در میان سالی و حتی پیری وی باشد.

سامان ۳۹ ساله که سنش کاملاً در ظاهرش هویدا است می گوید: «از وقتی دکتری قبول شدم، احساس می کنم جذاب تر هم شده ام و به نظرم الان دیگه فرصت مناسب برای ازدواج است ... برای من دختری ۲۶ ساله مناسب است ... مسئله بارداری سالم و تناسب میل جنسی زن و مرد باید لحاظ شود». او معتقد است زن از یائسگی به بعد دیگر میل جنسی چندانی ندارد.

بدین ترتیب نخست اعتقاد به افت نکردن زیبایی مردان با افزایش سن نسبت به زنان در وضعیت همانند، دوم آگاهی به اهمیت بسیار زیاد موقعیت های اجتماعی - اقتصادی در آقایان نسبت به ظاهرشان برای انتخاب همسر یا شریک جنسی، سوم نداشتن نگرانی برای تاریخ انقضا برای بدن به منظور بارداری و تولیدمثل و چهارم بسیار دور انگاشتن زمان فروکش کردن میل جنسی، در نهایت، نه تنها دغدغه ای برای انتخاب نشدن از سوی گزینه های مطلوبشان را ندارند؛ بلکه چه بسا با مطلوب تر شدن وضعیتشان از خلال کسب سرمایه های اقتصادی - اجتماعی، بتوانند گزینه های بهتری را نسبت به قبل انتخاب کنند. همه این عوامل به سادگی به عقب افتادن تاریخ انقضا و همین طور تاریخ مطلوب آقایان برای ازدواج انجامیده است.

پیوند ۳۰ ساله که دختری زیبا و بانشاط است می گوید: «یکی از دوستان نزدیک که

مردی هشتادساله و پزشک بود و من با ایشان برای برخی کارها همکاری داشتم، به من پیشنهاد ازدواج داد. اصولاً نمی‌دونم چطور فکر کرده بود و چطور به خودش اجازه داده بود به من چنین پیشنهادی بده».

۲-۲. فرصت‌سوزی

وضعیتی است که پیامد موضوع تاریخ انقضا نیز قلمداد می‌شود. روابط دوستی برای دختران، تنها در روابط اولیه و در سنین پایین با هدف کسب شناخت از خویش و دیگری، تجربه‌ای سودمند و تکرار شدنی محسوب می‌شود؛ اما در سنین بالاتر و روابط ثانویه که در آن، ازدواج سرنوشتی غیرقطعی یا مبهم است، وجود تاریخ انقضا به معنای ضرب‌الاجل پایان مطلوبیت، ماندن در چنین ارتباطی، سوزاندن فرصت‌های احتمالی دیگر برای رسیدن به هدف ازدواج قلمداد می‌شود. تعهد به طرف مقابل که هنگامی پذیرفته شده در میان بیشتر گزینه‌هاست، مانع ایجاد و شکل‌گیری روابط دیگری می‌شود که ممکن است احتمال بیشتری برای رسیدن به ازدواج را فراهم کنند. به همین دلیل فشار تاریخ انقضا و موضوع فرصت‌سوزی، انگیزه دختران را برای ماندن در ارتباطی که سودآور نیست، کاهش می‌کاهد و به رفتارهای پرتنش، به دور از صبوری و بردباری، دمدمی و در نتیجه ناپایدار می‌انجامد و سرانجام آنها را به پایان دادن به رابطه و ایجاد رابطه دیگری وا می‌دارد.

۲-۳. سوءپیشینه

همان‌گونه که گفتیم، ارتباط دوستی از انگیزه‌ای قوی به نام ازدواج و رسیدن به آن برای دختران برخوردار است که این موضوع را جزو منافع رابطه بیان کردیم؛ اما با در نظر گرفتن دو وضعیت «تاریخ انقضا» و «فرصت‌سوزی» در نتیجه ورود و خروج به روابط با هدف رسیدن به ارتباطی ازدواجی، هزینه سنگین و جبران‌ناپذیر دیگری به نام «سوءپیشینه» به دختران تحمیل می‌کند. سوءپیشینه همان برچسب دختر بد و نانجیب است که با افزایش شمار روابط بی‌هدف و بی‌سرانجام در سرگذشت وی، قوت و فعلیت بیشتری می‌یابد، و البته با افزایش تجربه‌ها، پنهان‌کاری در مورد گذشته نیز برای دختر دشوار می‌شود.

موقعیت پیچیده و پارادوکسیکال منافع و هزینه‌های رابطه برای دختران را می‌توان این‌گونه شرح داد: ۱. ایجاد رابطه با هدف یافتن گزینه احتمالی برای ازدواج است (زمینه‌سازی)؛ ۲. در رابطه بودن به معنای ازدست‌دادن گزینه‌های بالقوه دیگر است (فرصت‌سوزی)؛ ۳. لحاظ کردن زمان محدود برای انتخاب شدن و مطلوب بودن (تاریخ

انقضا)؛ ۴. افزایش شمار روابط برای ازدست‌ندادن فرصت‌های ممکن و اضطراب رسیدن به مجرد قطعی که خود به تقویت برجسب زن هرزه، نانجیب، هوس‌باز، بی‌تعهد و ... می‌انجامد و برای دختر پیشینه نامطلوبی را فراهم می‌کند (سوء پیشینه).

ایمان ۲۳ ساله: «دختر مناسب من برای ازدواج، کسیه که رابطه کم داشته که ازدواجی بوده و توش علاقه بوده باشه؛ اما به دلیلی به سرانجام نرسیده باشه. برام قابل درکه» (سوء پیشینه). شهروز می‌گوید: «یک سال با دختری بودم؛ اما وقتی مطمئن شد من باز هم قصد ازدواج ندارم، ارتباط را تمام کرد. چون خواستگاری داشت که هر چند دیلمه بود و اون فوق لیسانس؛ اما می‌خواست بهش فکر کنه. می‌گفت من توی یه شهرستان کوچیکم و باید تصمیم رو بگیرم» (تاریخ انقضا و فرصت سوزی). زمانی که از شهروز می‌پرسم چه دختری را مناسب ازدواج می‌دانی، می‌گوید: «خب من در فرهنگ سنتی بزرگ شدم. ترجیح می‌دم کسی باشه که خیلی چنین روابطی رو تجربه نکرده باشه» (سوء پیشینه). میثم می‌گوید: «چهار سال با دختری ارتباط داشتم که در نهایت بعد از اینکه کاملاً مطمئن شد من قصد ازدواج ندارم، رابطه را تمام کرد. (تاریخ انقضا)؛ البته هنوز هم مجرد است» (می‌خندد).

۳. منافع رابطه برای پسران

۳-۱. تأمین نیازهای جنسی و عاطفی

در روابط ثانویه، اولویت نخست پسران برای رجوع به رابطه، تأمین نیازهای جنسی و پس از آن - و با شدت کمتری - تأمین عاطفی است. این تفکیک در روابط اولیه به این شکل وجود ندارد. میل جنسی خود موجب علاقه‌مندی می‌شود؛ اما در روابط ثانویه در پسران، تفکیکی میان این دو وجود دارد. میل جنسی و تأمین آن به عنوان مهم‌ترین منفعت رابطه، به قدری اساسی است که بدون اطمینان از رسیدن به آن معمولاً روابط شکل می‌گیرند یا پس از مدت کوتاهی به هم می‌خورند.

تأمین نیاز عاطفی تا اندازه‌ای که رابطه جنسی را خوشایند و مقبول کند، پذیرفتنی است و با آن همراه است؛ اما ارتباط عاطفی قوی‌تر و بیشتر از این حد به چند دلیل با مشکل روبه‌روست:

۱. اینکه مهرورزی دوجانبه فراتر از زیباسازی رابطه نیازمند تناسب و تناظر در سرمایه‌های طرفین است که بتواند ایشان را عمیق‌تر به هم علاقه‌مند کند و این در حالی است که روابط، اساساً از این نقطه دچار مشکل اساسی هستند؛ چراکه در بیشتر موارد،

روابط از فضاهاى مجازى و نرم‌افزارهاى يابنده جنس مخالف بيرون آمده‌اند؛ نه از فضاهاى واقعى ارتباط و شناخت‌هاى كامل و واقعى حاصل از اين فضاها. ۲. از آنجاكه روابط از سوى پسران به صورت نيتمند، مبنى بر پرهيز از سرنوشت ازدواج شكل مى‌گيرد، هرگونه مهرورزى ييش از حد متعارف به‌ويژه از سوى خود پسر، چراغ خطر وابسته شدن و سوق به گزينه ازدواج را روشن مى‌كند. ۳. مهرورزى زنان به عنوان محرک و پاداش و به بيان ديگر حربه‌اى براى رسيدن به مقصود ازدواج، مورد شك و سوءظن است. ۴. مهرورزى براى پسران در رابطه‌اى كه قرار نيست به سرانجامى برسد، كارى بيهوده و غيرعقلانى به نظر مى‌رسد و ييش از آرامش - در هنگام جدائى - احساس سرخوردگى، ناکامى و ضعف در قوه عاقله را به بار مى‌آورد. اين معضل در تبادل عاطفى در رابطه، صميميت و معنای رابطه را به شدت مخدوش مى‌كند و اجازه نمى‌دهد ارتباط به سمت ناب شدن پيش رود.

ايمان ۲۳ساله، دانشجوى ليسانس: «اينكه با طرفم فقط رابطه جنسى داشته باشم - بدون احساس - برام يه ايدئال از ارتباطه و چون در رابطه قبليم ضربه خوردم، به دوستانم مى‌گم وارد روابط عاطفى نشند و اگرديدند دارند وابسته كسى مى‌شند، اون رو كات كنند. چون به احتمال زياد اين دختره كه داره كارى مى‌كنه تا پسر به اون وابسته و دل‌بسته بشه». مهرداد ۳۲ساله، فوق‌ليسانس در تعريفى كه از زن به دست مى‌دهد مى‌گويد: «زن يعنى حيلت؛ چون زن‌ها از انواع عشوه‌ها و ترفندها براى رسيدن به مقصودشون كه همون ازدواج يا ساير خواسته‌هاشونه، استفاده مى‌كنند». كوروش ۲۷ساله نيز معتقد است: «حتى دخترهاى كه با قصد دوستى وارد رابطه مى‌شند، نيم‌نگاهى به ازدواج دارند و اميدوارند از طريق محبت و علاقه‌اى كه ايجاد مى‌شه، به هدف نهايى خود يعنى ازدواج برسند».

مهرداد ۳۲ساله كارشناس ارشد مطالعات فرهنگى: «يكي از بهترين رابطه‌هاى ممكن را به دست آورده‌ام. حاضره با من ارتباط جنسى داشته باشه. اگر دو هفته يا بيشتر اون رو نينم، اعتراضى نمى‌كنه. خودش شاغله و از من انتظار اقتصادى خاصى نداره». از او مى‌پرسم تحصيلات اين خانم چقدر است و مى‌گويد: «ديپلمه است و آرايشگر».

۳-۲. تعويق ازدواج

يكي از منافع مهم ارتباط براى پسران، تعويق ازدواج به زمان دلخواه با انگيزه‌هاى جنسى و عاطفى است. ازدواجى كه به عقیده آنان فرصت‌هاى رشد و پيشرفتشان را محدود مى‌كند، برايشان بسيار پرهزينه است و البته جنبه‌هاى مسئوليتى و پرچالش آن بسيار ييش از جنبه‌هاى

فراغتی آن است. ضمن آنکه به نوعی پس از ازدواج به دلیل همان فضای تفکیک جنسی و هنجارهای خانوادگی، فرصت‌های فراغتی پیشین نیز محدود می‌شوند. به همین دلیل تأمین جنسی از طریق ارتباط دوستانه، به عاملی برای تعویق ازدواج با شرایط یادشده بدل می‌شود که خود، امری خیر و مطلوب قلمداد می‌شود.

دلایل همه برای دوری از ازدواج بسیار همانند یکدیگر است: تثبیت شدن وضعیت شغلی و شرایط مادی در حد مطلوب، ترس از طلاق، پایان یافتن دوره‌های تحصیلی و مانند آن. ارتباط با جنس مخالف به لحاظ جنسی این تأخیر را قطعی‌تر و زمان آن را بیشتر کرده است.

بهروز ۳۹ ساله دکتر و شاغل: «تا الآن همش دنبال کارهای درس و سربازی و اینها بودم. وضعیت مالی خودم و خونادم هم طوری نبود که بتونم یه زندگی ایدئال تشکیل بدم».

مهرداد ۳۲ ساله، فوق‌لیسانس و شاغل: «الآن اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کنم. می‌خوام برای دکترای خارج از کشور اقدام کنم و دکتر اونجا ادامه بدم».

۴. هزینه‌های رابطه برای پسران

۴-۱. مخارج رابطه

برای خیلی از پسران مخارج عادی رابطه به شرط ارتباط جنسی نسبتاً معقول است؛ البته آنهایی که اصولاً درآمد چندانی ندارند یا دختر متقابلاً شاغل است، انتظار مخارج پایاپای یا به اصطلاح دنگی نیز دارند. اما مخارج در حد سفرهای خارج از شهر یا هدایای قیمتی‌تر و ... داستان متفاوتی دارد. انتظار برای چنین هزینه‌هایی به چند شرط بستگی دارد: میزان درآمد خود پسر، میزان مطلوبیت جنسی و غیرجنسی دختر برای پسر، درخواست خود دختر برای این موضوع و البته ارزش‌های فرهنگی و شخصی خود فرد.

پسران مصاحبه‌شونده که از طبقه متوسط بوده‌اند، کمتر با چنین درخواست‌هایی روبه‌رو شده‌اند؛ چراکه وضعیت مالی آنان کاملاً مشخص و واضح بوده است و البته از مخارج متعارف رابطه نیز شاکتی به نظر نمی‌آمدند و همگی آن را هزینه‌ای ضروری برای ادامه و دوام رابطه دانستند. سینا ۲۶ ساله که درآمد ثابتی ندارد، می‌گوید:

«هیچ‌کدوم به خاطر پول نیومدند سراغ من. خیلی هم موافق این نیستم که سرمایه مادی برای زن‌ها جذابه. برای زن‌های اطراف من خوش‌صحبتی و روابط اجتماعی خوب مهم بوده ... سرمایه‌های فرهنگی براشون جذابه و حتی ماها (پسرها) شاید بیشتر برامون مادیات جذابه. مثلاً شاید بیشتر ببینیم که دختر پولداری با پسر فقیری در ارتباط بوده

که اتفاقاً (پسر) این موضوع رو هم لحاظ کرده».

مهرداد: «در حد بیرون رفتن و حساب کردن خرید چیزهای خورده ریزه پای من بود. من خودم هیچ وقت با کسی که بیشتر از این بخواد، رابطه برقرار نکردم؛ بعضی هاشون بودند که دوست داشتن بپریشون بیرون برایشون خرید کنی؛ ولی من قبول نمی کردم و وارد رابطه نمی شدم».

سرمایه فرهنگی در پسران طبقه متوسط و برای دختران هم طبقه آنان بیش از سرمایه اقتصادی، ارزشمند و مطلوب بوده و که در کنار سرمایه گذاری عاطفی و همراه با آن می تواند به پاداش مهمی تبدیل شود که دوام رابطه را افزایش می دهد.

۲-۴. صرف وقت و انرژی دوچندان

صرف وقت و انرژی به نظر یکی از طبیعی ترین و بی چون و چراترین ارکان رابطه است. اما در روابط ثانویه ای که هدف، صرفاً دوستی است، این موضوع به ویژه برای آقایان به یکی از هزینه ها و بخش های نامطلوب ارتباط تبدیل شده است. میزان وقت و انرژی مطلوب برای پسران معمولاً بسیار کمتر از میزان دلخواه برای دختران است؛ به عبارتی، سبک زندگی متفاوت در دو جنس، دختران را بیشتر مایل و قادر به صرف وقت و انرژی برای رابطه می کند.

از دلایلی که برای تبدیل وقت و انرژی به هزینه به جای منفعت می توان نام برد، این است که مشغله های کاری، تحصیلی و فراغتی برای پسران بیشتر از دختران است و انگیزه ها و برنامه های آنان برای رشد تحصیلی، شغلی و فراغتی نیز بیشتر از دختران است. ضمن آنکه رابطه حتی منفعت فراغتی چندانی برای آنان ندارد. میل عاطفی هم که چنان که گفتیم کنترل شده و نسبت به دختران محدود است. بنابراین یکی از شکایت های بی شمار دختران از شریک خود، محدود بودن ملاقات و تماس ها و بی توجهی طرف مقابل بوده است؛ دخترانی که رابطه برای آنان بخش مهمی از منابع تأمین آرامش و لذت است و در کنار شغل (در صورت شاغل بودن)، بهترین منبع فراغتی و جدی زندگی برای گذاشتن وقت و انرژی است. اما رابطه برای بیشتر آقایان، کم اهمیت، وقت گیر و انرژی بر است و همه آنها با هدف حفظ تنها پاداش پراهمیت رابطه، یعنی تأمین جنسی است.

محمود ۲۸ ساله، لیسانس و شاغل: «آخرین دوستیم حدود دو - سه ساله داره طول می کشه؛ ولی خیلی شکلش سینوسیسه. خیلی ها نمی تونند با پسری مثل من دوست بشند؛ به خاطر اینکه ساکتیم. کارم زیاده و ورزشم هم هست و من آخر هفته ها اصلاً نیستم و

هر کس باشه، قاطی می کنه. دوست دختر اولم با من می اومد (کوه). س: تو روابطت تا به حال شده از برنامه های شخصیت بگذری تا با هم باشین؟ نه هیچ وقت. ولی قبلش هم برات توضیح دادم. در هفته دو بار ممکنه هم رو ببینیم؛ ولی ممکنه یه هفته هم رو نبینیم. س: چقدر تلفنی با هم در ارتباط هستید؟ الان دیگه کسی تلفنی صحبت نمی کنه؛ الان دنیای مجازی ارتباط رو جور دیگه ای فراهم می کنه. البته صحبت می کنیم؛ ولی خب نه اونجور که بگی روزی چقدر و اینها».

پیمان ۳۳ ساله، دکتر و شاغل: «بعضی از رابطه های قبلم با برنامه کاری و شلوغی من کنار می اومدن. شاید می شد که دوست دخترم رو سه هفته نبینم. اما خب بعضی ها هم با این وضعیت کنار نمی اومدن دیگه».

آفتاب ۳۰ ساله، فوق لیسانس و شاغل: «احسان آدم عجیبی بود. وقتی با هم بودیم، خیلی خوب و رمانتیک بود؛ ولی وقتی از هم جدا می شدیم، دیگه ازش خبری نمی شد. وقتی هم که اعتراض می کردم، من رو سرزنش می کرد و جواب سربالا می داد. می گفت سرم شلوغه، درک کن. گزینه خیلی خوب و خفنی بود؛ ولی تحمل نکردم و از رابطه اومدم بیرون».

نتیجه گیری

ما در این پژوهش با سه پرسش اصلی روبه رو بوده ایم: ۱. دختران و پسران منافع و هزینه های برقراری ارتباط را چگونه ارزیابی می کنند؟ ۲. چگونگی این ارزیابی بر مدیریت رابطه آنها تأثیر می گذارد؟ ۳. وزن دهی به منافع و مضار رابطه از چه طریقی و تحت چه فرایندی است؟

در بررسی وضعیت منافع و هزینه ها در روابط ثانویه، نه تنها همسویی در منافع وجود ندارد، بلکه در برخی موارد شاهد تعارض در منافع (تبدیل منفعت یک طرف به زیان دیگری) هستیم. در کنار این وضعیت شاهدیم تفاوت های جنسیتی در هزینه ها و منافع، بر نوع مدیریت رابطه نیز تأثیرات متفاوتی دارد. دو نوع قدرت وجود دارد: یک قدرت پاداش دهی در رابطه که به عقیده بلاو، فرد را به سمت رهبر رابطه می رساند که به پسران - بابت پاداش هایی بیشتری که می توانند در رابطه بدهند - می رسد؛ اما از سوی دیگر شمار نسبتاً کمتر دخترانی که مایل اند رابطه را همراه با ارتباط جنسی بپذیرند، نسبت به تقاضای موجود در اطراف، قدرت متقابلی را فراهم می آورد. در این میان سرمایه های دیگر طرفین در بالا بردن میزان احساس قدرت نیز دخیل اند.

در پسران منافع و هزینه‌ها بسیار ساده و تفکیک پذیرند. تعویق در امر ازدواج که با تأمین جنسی به خودی خود محقق می‌شود، طرح هدف ازدواج یا بالا رفتن سرمایه‌های اجتماعی - اقتصادی، امکان جذب جنس مخالف را بالاتر می‌برد؛ ولی دوام رابطه کمتر در گرو سرمایه‌های اقتصادی - اجتماعی است. پایداری رابطه بیش از همه به هدف رابطه (ازدواج) و پس از آن به میزان سرمایه‌گذاری عاطفی پسر و تناسب سرمایه‌های دو جنس مربوط است. در روابطی که به‌ویژه سرمایه‌گذاری عاطفی پسران کمتر از میزان انتظار است، رابطه به شدت ناپایدار و سرشار از کشمکش می‌شود، و همان‌گونه که گفتیم، صرف انرژی عاطفی از سوی پسران به‌ویژه در روابطی که با هدف ازدواج نیست، به شدت دچار نقصان است. در طول رابطه عملاً کم‌توجهی، وقت نگذاشتن و حضور ناکافی پسران، یکی از موارد شایع شکایت خانم‌ها و اعتراف خود آقایان بوده است. این رفتار در اصل برای کاستن از یکی از هزینه‌های ارتباط به نام صرف وقت و انرژی است. هرچند تأمین عاطفی، یکی از نقاط مشترک دختران و پسران به نظر می‌رسد؛ اما کشمکش بر سر میزان و شکل آن، به یکی از نقاط ضعف و تعارض بخش روابط تبدیل شده است. این مشکل برای رابطه دختر و پسر از دو طبقه پایین و بالا از طریق تأمین منافع فراغتی و مالی با کیفیتی بهتر، تا حدی جبران شده است؛ اما در روابط افراد هم‌طبقه، کاستی در بذل توجه و محبت به شدت بر دوام و کیفیت رابطه اثر نامطلوب گذاشته است. بدین ترتیب کاستی عاطفی و بی‌هدفی روابط، یکی از عوامل بسترساز گفتمان جنسی - پولی است.

منافع اندک رابطه و بی‌میلی به ازدواج از سوی آقایان شاید یکی از دلایلی باشد که موجب شده برای ایشان قطع رابطه بسیار آسان‌تر از ماندن و تلاش برای حفظ رابطه باشد. هرچند به ظاهر قطع ارتباط از سوی دختران بسیار بیشتر رخ می‌دهد؛ ولی درحقیقت زمینه‌های قطع ارتباط را پسران با بی‌توجهی‌ها و بدعهدی‌های مشخص فراهم می‌کنند و بی‌میلی به ادامه ارتباط را افزون بر کارشکنی‌های بسیار، با تلاش ناکافی برای حفظ رابطه و پذیرش آسان قطع ارتباط به‌خوبی نشان می‌دهند.

منافع و هزینه‌های ارتباط در دختران نسبت به پسران، پیچیدگی بیشتری دارد. هزینه‌های ارتباط برای دختران هم جبران‌ناپذیر و هم اجتناب‌ناپذیر است. تنها راه جبران هزینه‌ها، تبدیل رابطه به ارتباط ازدواجی است. شاید خودداری از ارتباط جنسی کامل به نوعی کاستن از هزینه قلمداد شود؛ اما از سوی دیگر عاملی برای کاستن از لذت و رضایت

جنسی نیز به شمار می‌رود.

در نگاهی خوش‌بینانه و منصفانه باید گفت زیان‌های رابطه برای دختران (از دست رفتن فرصت ازدواج به دلیل تاریخ انقضا یا سوء پیشینه)، زیانی بالقوه و موکول به آینده است؛ اما دختران با ورود به روابط، باید چنین هزینه‌هایی را بپذیرند. در روابطی که سخن از دوستی است و نه ازدواج، هزینه‌های رابطه همچنان به قوت خود باقی خواهد بود و رسیدن به منافع دیگر می‌تواند تنها تا اندازه‌ای احساس زیان‌دیدگی را جبران کند؛ نه خود خسارت را.

در یک رابطه بدون عاطفه و محبت، زن به چیزی غیر از آنچه هست، بدل می‌شود و هویت اخلاقی و معنوی او نه تنها به شدت آسیب می‌بیند؛ بلکه چنین ارتباطی احساس تن‌فروشی و هرزگی را تأیید و تقویت می‌کند و آسیب‌هایی جدی را به هویت و اعتبار اجتماعی وی وارد می‌کند.

بر این اساس تأمین منافع مالی و فراغتی باید به قدری چشمگیر باشد که بتواند چنین خسارتی را تحمل‌پذیر کند؛ اما نگاه پولی - جنسی به رابطه در زنان طبقه متوسط و تحصیل کرده - به دلیل بهره‌مندی نسبی از همه سرمایه‌ها - بسیار اندک و محدود است و شاید بتوان آن را در زنان از طبقات پایین‌تر جست.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت منافع مهمی همچون ازدواج که برای دختران به‌دست‌آوردنی یا از دست‌دانی است، در نظر پسران، اغلب امری حتمی و تضمینی است و تنها به اراده برای به‌دست‌آوردن نیاز دارد. منفعت فراغتی برای دختران نیز از طریق رابطه تأمین می‌شود؛ اما برای پسران، تأمین فراغت از رابطه جداست. بدین ترتیب رابطه برای دختران، معجریایی برای به‌دست‌آوردن منافی است که پسران از راهی دیگر و نسبتاً راحت‌تر آن را به دست می‌آورند یا از آن برخوردارند. این موضوع، کفه اهمیت رابطه را برای دختران بیش از پیش سنگین می‌کند.

رسیدن به منافع در برخی موارد به معنای کاستن از هزینه‌هاست و در برخی دیگر جبران احساس آسیب‌دیدگی است. ازدواج منفعتی است که زیان سه‌گانه سوء پیشینه، تاریخ انقضا و فرصت‌سوزی را کاملاً جبران می‌کند. اما در پسران، رسیدن به تأمین جنسی فقط با مقداری هزینه مادی و صرف وقت و انرژی، مطلوب و موجه است و بیش از آن صرفاً هزینه‌ای بدون توجیه است. بنابراین تا زمانی که پسر به شریک خود واقعاً علاقه‌مند نباشد، نمی‌توان انتظار داشت رابطه دوام‌چندانی بیابد.

نکته مهم دیگر در این روابط، نقش مهم ارزش‌های اجتماعی - اخلاقی است که هم در وزن دادن به منافع و هزینه‌ها و هم نوع مدیریت روابط مؤثرند. ازدواج، سوء پیشینه و تاریخ انقضا، دو زیان و منفعتی هستند که هنجارها و ارزش‌ها وزن آن را سنگین‌تر کرده‌اند و این سنگینی، جز افزایش اضطراب، ناامیدی و احساس خسارت، نتیجه دیگری به بار نیاورده است. این در حالی است که در مردان، رفتار بر اساس ارزش‌های اخلاقی چون احساس مسئولیت، درک متقابل، محبت و از خودگذشتگی اولویت کمتر از پابندی به ارزش‌هایی چون منفعت طلبی، فردگرایی و دفاع از خود دارد. انتظاری که اجتماع از مرد دارد، تصمیم گرفتن بر اساس منافع و بدون توجه به عواطف است که نتیجه آن، کنار آمدن با سرشت ناپایدار روابط از طریق فاصله‌گیری از دل‌بستگی است که نوعی جلوه عقلائی و مردانگی است. در مقابل برای دختران رسیدن به محبت و تبادل عاطفه و ارتباط با فردی که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بالاتر دارد، بسیار بیشتر از رسیدن منافع به فراغتی و مادی اهمیت دارد؛ حتی هنگامی که رسیدن به آن دشوار نیست.

در کنار ارزش‌های اخلاقی و ضعف و قوت آن به تفکیک دو جنس، درک بسیار دور این دو از یکدیگر و نفهمیدن زیست جهان دیگری به هنگام آشنایی و ارتباط، عاملی بسیار مهم و قوی است که دو جنس را نه در کنار یکدیگر، بلکه در مقابل هم نگه می‌دارد. زیست درازمدت دو جنس به دور از واقعیت یکدیگر و ورود به روابط بر اساس ایدئال‌ها - نه شناخت‌های واقعی - کم‌کم موجب سرخوردگی و سلب اعتماد می‌شود و این بی‌اعتمادی، آغاز ورود به رابطه بر مبنای تأمین منافع خودخواهانه حتی به قیمت زیان رساندن به دیگری است.

مقالات

روابط جنسی پیش از زواج در میان جوانان؛
الگوها، انگیزه‌ها، پاداش‌ها و هزینه‌ها

منابع و مآخذ

۱. «آمار تکان‌دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران»؛ در: ۱۴ مرداد ۱۳۹۳
<http://www.tabnak.ir/>.
۲. آزاد ارمکی، تقی، محمد شریفی ساعی، مریم ایشاری و سحر طالبی؛ «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»؛ جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱-۳۴.
۳. باومن، زیگمونت؛ عشق سیال؛ ترجمه عرفان ثابتی؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.
۴. بدار، لوک، ژوزه دزیل و لوک لامارش؛ روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی؛ تهران: ساوالان، ۱۳۸۶.
۵. بصیری، هدی؛ «خانواده و زناشویی به مثابه فراگرد مبادله»؛ در: ۱۹ نوامبر ۲۰۱۰
<http://anthropology.ir/>.
۶. توسلی، غلام‌عباس؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۷. حکیم، کاترین؛ سرمایه جنسی و نقش آن در مناسبات قدرت جامعه؛ ترجمه ژیلای سرابی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۸. رفعت جاه، مریم؛ «دختران جوان و اوقات فراغت»؛ در: ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸ /
<http://anthropology.ir>
۹. ریتز، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۵.
۱۰. سفیری، خدیجه و فاطمه مدیری؛ «تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت»؛ تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۵۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۷-۱۷۰.
۱۱. سیدمن، استیون؛ کشاکش آرا در جامعه‌شناسی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۱۲. ضیغمی، زهرا؛ «تبیین عوامل جامعه‌شناختی اثرگذار بر رابطه ناب»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد غرب، ۱۳۹۴.
۱۳. کیانفر، علیرضا؛ «روابط و عشق»؛ پایان‌نامه کارشناس ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۱۴. گیدنز، آنتونی؛ تجدد و تشخیص؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۱۵. محمدی، میلاد؛ «مردانه شدن مشاغل»؛ روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۰۶/۱۸.

۱۶. ملک‌زاده، فهیمه؛ «نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها»؛ *دانش‌پژوهان*، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

17. Rauer,A. Lansford,J. & Bates,j(2013). Romantic relationship pattern in young adulthood and their developmental antecedents. *Developmental Psychology*.49, 2159-2171.

18. Giddens, Anthony.(1995). *The transformation of intimacy*. Oxford: polity.
Giordano, p. longmore,m(2006). *Gender and the Meanings of Adolescent Romantic Relationships: A Focus on Boys*. American sociological association. 71, 260-287.